۴

صندوق خاطرات

نگاهی به پشتوانه علمی برای تغییر نام بولوار امت به امیرالمؤمنین(ع)

فراتر از تغییر نام

فرزانه شهامت| تا اواسط هفته پیش، به «بولوار امت» معروف بود و از پنجشنبه گذشته، مصادف با عید غدیر، به «بولوار امیرالمؤمنین(ع)» تغییر نام یافت. این مسیر ۲ هزار و ۱۰۰ متری که از میدان امت در منطقه ۴ آغاز می‌شود، محلات تلگرد، کوی مهدی، گلشور و ایثار را درمی‌گیرد و با گذر از منطقه ۵ به تقاطع بولوار وحدت - شارستان امیرالمؤمنین(ع) در منطقه ثامن، ختم می‌شود. اکنون اتصال بولوار امت به این شارستان، مسیری ۲ هزار و ۹۰۰ متری را تحت لوای نام امیرالمؤمنین(ع) ایجاد کرده است.

● ○ آغاز پیشنهاد، دوسال پیش

این تغییر نام که با مصوبه کمیته نام‌گذاری معابر شهرداری مشهد صورت گرفت، مانند هر تغییر دیگری، مخالفان و موافقانی دارد. برخی مانند عضو شورای اجتماعی محله گلشور معتقدند نام امت، به بخشی از هویت منطقه تبدیل شده بود و نباید دستخوش تغییر می‌شد. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدتقی موسوی تأکید می‌کند اگر بناست این بولوار، یکی از مسیرهای پنجگانه تشرف به حرم مطهر معرفی شود، نباید به تغییر نام اکتفا کرد و ملزومات دیگری مثل بهبود زیرساخت‌های ترافیکی بولوار به دلیل افزایش ترددها در آن، ضروری است.

مریم نوروزی، رئیس سابق شورای اجتماعی محله کوی مهدی، دیدگاه متفاوتی درباره این مصوبه دارد. او که جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه را تا مقطع دکتری ادامه داده است، یکی از افراد پیگیر این پیشنهاد از بدو مطرح شدن در شورای اجتماعی محله تا تصویب نهایی در کمیته نام‌گذاری معابر، به شمار می‌رود.

نوروزی موضوع تغییر نام را آبان ۱۴۰۳ در نشست مشترک شهردار مشهد با رؤسای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۴ مطرح کرد و در نشریه و کانال شهرآرا محله نیز منعکس شد.

● ○ ماجرای اتصال

نظر نوروزی درباره تغییر نام بولوار و ایجاد مخالفت از سوی برخی این طور است: ایراد را باید به کسانی گرفت که قبلا، بخشی از بولوار امت را به امیرالمؤمنین(ع) نام‌گذاری کردند. یا این نام را تغییر نمی‌دادند یا اگر دادند، همه آن را تغییر می‌دادند، نه فقط بخشی از بولوار را. او در ادامه به «اتصال»، به عنوان یکی از نظریه‌ها در جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی این طور اشاره می‌کند: ما به دنبال اتصال

حاشیه شهر و محلات دورمانده از توسعه، به متن شهر برای بهره‌مندی از اقتصاد زیارت بودیم؛ محلاتی با ظرفیت‌های مغفول که قادرند به صاحبان صنایعی لوکس تبدیل شوند. نوروزی با اشاره به رایزنی‌هایش با بخش تحقیقات و طرح‌های مطالعاتی شهرداری مشهد و نیز کمیته تطبیق فرمانداری مشهد، می‌گوید: حد فاصل حرم مطهر تا میدان امت را باید شاهراهی با چهار بُعد اقتصادی فرهنگی دید؛ یکی بازار عقیق‌تراشی به عنوان هنر بومی محله کوی مهدی، جاروبافی به عنوان هنر پرقدمت محله تلگرد، بازار کیف و کفش در خیابان دریا و محله گلشور و بازار حجاب و پوشش در محله ایثار.

● ○ پشتوانه‌های طرح

جمع‌آوری ۲ هزار امضای مردمی، همراهی بیست مسجد و رایزنی با استادان دانشکده‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و انجمن علمی مطالعات صلح ایران، مواردی است که نوروزی به عنوان پشتوانه مردمی و علمی طرح اتصال بولوار امت به شارستان امیرالمؤمنین(ع) یاد می‌کند و می‌گوید: این اتصال و تغییر نام، گستره وسیعی در مناطق ۴، ۵ و ثامن را در برمی‌گیرد. مشهد، پیش از این هم تجربه‌های موفقی در مقیاس کوچک‌تر برای اتصال حاشیه به متن داشته است؛ مثل برداشتن دیوارهای شهرک شهید بهشتی (عرب‌ها) که آن را از شهرکی غیربومی با آسیب‌های مختلف به متن شهر و جریان اقتصادی متصل و به محدوده‌ای گردشگرپذیر تبدیل کرد.

۳

نونهال خوش‌آتیه محله خیرآباد از علاقه‌اش به کاراته می‌گوید

از شیطنت‌های خانگی تا سکوی قهرمانی

امید محله

فرزانه شهامت| صادقانه اعتراف می‌کند به شیطنت‌هایی که در خانه می‌کرد و خرابکاری‌هایی که به بار می‌آورد. در چنین شرایطی، معلوم بود که خانواده رضایی، به ثبت‌نام فرزندته‌تغاری‌شان، محمد طاهر، در کلاس ورزشی رضایت بدهند، بلکه انرژی بی‌پایان او به شکل صحیح، جهت‌دهی شود. او تابستان ۱۴۰۳، زمانی که کلاس دوم ابتدایی را به پایان رسانده بود، به باشگاهی در محله خیرآباد رفت و پس از آن با درخششی زودهنگام، به یکی از امیدهای قهرمانی کاراته کشور در عرصه بین‌المللی تبدیل شد؛ به طوری که به گفته مربی‌اش، علیرضا صبوری، اگر برنامه حضور این کودک خوش‌آتیه در مسابقات برون‌مرزی، به دلیل جنگ تحمیلی سوم با چالش مواجه نمی‌شد، اکنون کارنامه افتخارات او در رده سنی خردسالان، وزن سنگین‌تری داشت.

● ○ انتخاب کاراته از روی شناخت بود یا اتفاقی به‌سراغ این رشته رفتی؟

کاراته‌کارهای زیادی اطرافم هستند و تمریناتشان را دیده بودم؛ مثل برادرم که کمربند آبی دارد و دوستم، نوید که کمربند قهوه‌ای دارد.

● ○ برنامه تمریناتت چطور است؟

به جز تمرین‌هایی که در خانه انجام می‌دهم، سه بار در هفته، روزهای زوج، از ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ می‌روم به باشگاه.

● ○ باشگاهت کجاست؟

زیرزمین مسجد بلال در خیابان شیخ صدوق.

● ○ برایت ورزش مهم‌تر است یا درس؟

هر دو مهم است. الان من هم کمربند مشکی کاراته دارم، هم شاگرد ممتاز کلاس چهارم مدرسه شهید محمدرضایی هستم.

● ○ از اولین افتخاری که به دست آورده‌ای، بگو.

اردیبهشت دو سال پیش، وقتی کمربند نارنجی داشتم، در مسابقات استانی شرکت کردم. فکر می‌کردم حداکثر بتوانم مدال برنز به دست بیاورم ولی وقتی دوم شدم و مدال نقره را گرفتم، خیلی شیرین بود. همان سال با کمربند آبی در مسابقات کشوری شرکت کردم و طلا گرفتم.

● ○ افتخار ورزشی دیگری هم به دست آورده‌ای؟

تا الان کلا ۹ مدال به دست آورده‌ام؛ پنج طلا، سه نقره و یک برنز یک طلا و یک نقره کشوری هستند.

● ○ الگوی ورزشی‌ات کیست؟

مربی‌ام، استاد صبوری که قهرمان آسیا هستند و لچی قربانوف، کاراته‌کار روسی که فیلم مسابقاتش را زیاد تماشا کرده‌ام.

● ○ کاراته را تا کجا ادامه می‌دهی؟

تا وقتی که بتوانم مدال‌های جهانی به دست بیاورم. به مربی شدن هم فکر کرده‌ام.

● ○ چه کسانی بیشتر به تو انگیزه می‌دهند؟

استادم آقای صبوری، در خانواده هم برادر و پدرم. مادرم اما بیشتر نگران است که موقع تمرینات آسیب نبینم.

● ○ تا حالا آسیب دیده‌ای؟

موقع مسابقات، یکی دو بار ساق پایم به خاطر ضربه حریف، درد گرفت. در رده سنی ما آسیب‌ها در همین حد است و آسیب‌های جدی‌تر اگر قرار باشد پیش بیاید، مال بزرگ‌سالان است.

● ○ کسی بوده است که با دیدن تو، جذب کاراته شود؟

بله، چند تا از دوستانم و بچه‌های کلاسمان مثل مرتضی، امیرمحمد و امیرحسین. مربی‌ام وقتی مدال‌های من را سر کلاس آورد و بچه‌ها فهمیدند من قهرمان هستم، خوششان آمد و آن‌ها هم سراغ کاراته آمدند.

● ○ به رشته ورزشی یا فعالیت دیگری هم علاقه داری؟

کوه‌نوردی را دوست دارم و در برنامه‌های خانوادگی و دوستانه، موقع بالا رفتن از کوه از همه جلو می‌زنم. به مداحی علاقه دارم و در هیئت نوجوانان مسجد بلال، مداحی می‌کنم. به اجتماعات شبانه هم که می‌روم، برای دشمنان ایران رجز می‌خوانم.